

بررسی ماهیت تضمین و برابری آن در تفسیر المیزان (مطالعه موردی در سوره مبارکه بقره)سعید کحیا^۱

دانشجوی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم

علیرضا مظاهری

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) تهران

چکیده

در بعضی از آیات قرآن کریم که معجزه جاودان ادب و بلاغت است، یک فعل، حقیقتاً معنای فعل دیگری را به خود گرفته و حکم همان فعل دوم را به لحاظ لازم یا متعدی بودن، به شرط وجود مناسبت میان دو فعل و قرینه‌ای که دال بر فعل محذوف باشد، دارا شده است. این قاعده از قرن هشتم، تضمین نامیده شده که به معنای اخص آن، تضمین نحوی مستفاد در فعل است. با مطالعه موردی در سیزده آیه از سوره مبارکه بقره، از منظر تفسیر شریف المیزان به روش توصیفی-تحلیلی و به صورت نمونه کاوی مشخص شد که تضمین فعل متعدی به دو مفعول در فعل متعدی به یک مفعول، بیشترین کاربرد را دارد و علامه طباطبایی با در نظر گرفتن تضمین در غالب آیات، این اسلوب را قبول داشته و سعی در استفاده هرچه بهتر از تضمین و ارائه معنای دقیق‌تر و کامل‌تر داشته‌اند.

واژگان کلیدی: تضمین، تفسیر، قرآن، بقره، المیزان، طباطبایی

^۱ نویسنده مسئول: saeed.kahya@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۳

مقدمه

قرآن کریم به زبان عربی و برای هدایت جن و انس به سوی کمال و سعادت نازل شده است «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ ما آن را قرآنی به زبان عربی نازل کردیم تا شما تعقل کنید» (یوسف: ۲؛ زحرف، ۳) و لازمه هدایت، فهم آیات قرآن کریم است و تفسیر، یکی از ابواب مهم درک عمق معنای قرآن کریم می باشد. از مسائل مهمی که در تفسیر آیات و روایات با آن مواجه می شویم، درک دقیق معنای کلام و اینکه مراد متکلم چه بوده است، می باشد. اینکه در برخی موارد یک فعلی به معنای فعل دیگری به کار می رود و ما مجبور هستیم که در ضمن فعل مذکور، معنای دیگری را لحاظ کنیم. با اینحال در بسیاری از ترجمه های قرآن، عدم توجه به این اسلوب مشاهده می شود که میتواند خللی در انتقال محتوا از زبان مبدا به زبان مقصد باشد و در واقع، ترجمه، بدون توجه به تضمین، دچار نقص و اشکال خواهد بود و حتی گاهی اوقات می تواند ما را از بسیاری از مفاهیم اصلی، دقیق و ظریف محروم نماید.

هدف پژوهش حاضر این است که ضمن بررسی ماهیت تضمین، به کاربرت آن در موارد عینی پرداخته و آیاتی چند از سوره بقره را بررسی کند. از آنجایی که فهم روش «علامه سید محمد حسین طباطبایی» به عنوان یکی از مفسرین بزرگ در استفاده از مفهوم تضمین در «تفسیر شریف المیزان» به صورت نمونه کاوی می تواند راهگشای بسیاری از مسائل باشد، فلذا بر آن آمدم تا با اتکا به نظر علامه طباطبایی، تفاوت ترجمه و تحلیل آیه را در صورت استفاده از تضمین یا عدم استفاده از آن، نشان داده و روش شناسایی موارد تضمین و استفاده از آن را برای خوانندگان این مقاله مشخص نمائیم.

پیشینه پژوهش

از جمله کتاب هایی که به صورت مستقل به بحث تضمین پرداخته اند، می توان به کتاب «تضمین نحوی در قرآن از منظر المیزان» نوشته حمید الهی دوست، براتعلی حق شناس و روح الله واعظی، انتشارات نسیم حیات در سال ۱۳۹۷ و کتاب «التضمین النحوی فی القرآن الکریم» نوشته محمد ندیم فاضل، انتشارات مکتبه دار الزمان للنشر و التوزیع در سال ۱۳۸۴ اشاره کرد.

مقالاتی هم در این زمینه کار شده است که از بین آن ها می توان «معناشناسی افعال از خلال تضمین نحوی و برابری آن در ترجمه های مکارم و مشکینی- مطالعه موردی در سوره مبارکه بقره» نوشته دکتر بهمن هادی لو، شماره دوم دوفصلنامه مطالعات سبک شناختی قرآن کریم در سال ۱۳۹۷، «تضمین نحوی و اقسام آن در قرآن کریم» نوشته سید محمد هادی زبرجد و بتول علوی، شماره اول دو فصلنامه پژوهش های قرآنی در ادبیات در سال ۱۳۹۳، «روش شناسی ترجمه تضمین نحوی در برخی ترجمه های معاصر قرآن کریم» نوشته علی حاجی خانی و توحید پاشائی، شماری سی ام مجله علمی-پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی در سال ۱۳۹۳ و «کارکرد تضمین افعال در تفسیر آیات قرآن کریم با تاکید بر آراء ابن عاشور» نوشته سیفعلی زاهدی فر و آمنه موسوی شجری، شماره بیست و ششم فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری در سال ۱۳۹۵ را نام برد.

با مطالعه و بررسی آثار در زمینه تضمین، مشخص می شود که نوشته مستقلی که به بررسی قاعده تضمین در یک سوره با تاکید بر نظر علامه سید محمد حسین طباطبایی پردازد، وجود ندارد و اثر حاضر از این لحاظ، بدیع است.

روش و ابزار پژوهش

روش کلی پژوهش حاضر «توصیفی-تحلیلی» است و قبل از مراجعه به آیات نورانی قرآن کریم، نیاز است که برای مشخص شدن بحث «تضمین»، ابتدا تعریف لغوی آن از معاجم معتبر و دست اول ارائه شده و سپس با توجه به اینکه این مبحث هم در

حوزه علم «معانی، بیان و بدیع» و هم در حوزه علم «نحو» وارد شده است، به تعریف اصطلاحی تضمین در هر دو حوزه پردازیم.

برای تبیین معنای لغوی تضمین از منابع درجه اول لغت با روش «اسنادی و کتابخانه‌ای» و برای تبیین معنای اصطلاحی آن (چه در حوزه علم معانی، بیان و بدیع و چه در حوزه علم نحو) سعی شده است نظر اکثر بلاغیون و نحوین مشهور بررسی شده و معتبرترین آن نظرات به همراه منابع دقیق شان ذیل هر عنوان بازتاب داده شود.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که بحث ما در این مقاله، در باب تضمین در حوزه‌ی علم نحو معطوف شده است. بعد واضح شدن معانی و تعاریف تضمین و بیان اقوال و اختلاف نظرها، فرق تضمین با سایر مباحث نزدیک به آن بیان می‌شود.

سپس با رجوع به جزء اول قرآن کریم، موارد استعمالی تضمین در برخی از آیات سوره مبارکه بقره مورد واکاوی قرار گرفته شده و موارد تضمین آن طبق تفسیر المیزان علامه سید محمد حسین طباطبایی، ذکر شده است.

همچنین از منابع موجود در نرم افزار «ادبیات عرب»، «مکتبه الشامه»، «جامع التفاسیر»، «قاموس النور» و ... بهره گرفته شده و پس از جمع آوری محتوای مورد استفاده، به زبان گویایی به رشته تحریر درآمده و تحلیل و نتیجه گیری شده است. در بررسی آیات قرآن کریم هم با بررسی نظر علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان، سعی در امکان سنجی استفاده از تضمین و تأثیرات معنایی آن شده و نتیجه آن به صورت خلاصه بیان گردیده است.

مفهوم تضمین در کلام عرب

تعریف لغوی تضمین

تضمین از ریشه «ض م ن» و مصدر فعل «ضَمَنَ» از باب تفعیل است. «ضَمَنَ الشَّيْءَ» یعنی احراز چیزی در چیز دیگری و یا به عبارتی قرار گرفتن چیزی در چیزی که محتوی آن است. (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۷: ص ۵۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ص ۳۷۲؛ جوهری، ۱۴۰۴ ق، ج ۶: ص ۲۱۵۵) البته «ضَمَنَ» به معنای کفالت کردن کسی یا چیزی هم عنوان شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳: ص ۲۵۷)

از آنجا که هر علمی اصطلاحات خاص خود را دارد و گاهی یک واژه در علوم مختلف، با معانی متفاوتی به کار می‌رود و فقط اشتراک لفظی وجود دارد، بی توجهی به اصطلاحات هر حوزه معرفتی، باعث خلط مفاهیم با یکدیگر می‌شود. از این رو به صورت خلاصه در اینجا به معانی و مفاهیم دقیق این واژه در حوزه‌های دیگر پرداخته می‌شود. مهمترین معانی اصطلاحی تضمین به شرح ذیل است:

تعریف اصطلاحی تضمین

اصطلاح تضمین در علم معانی، بیان و بدیع

مشهورترین تعریف تضمین در علم معانی، بیان و بدیع این است که شاعر چیزی از شعر مشهور دیگران را در دل سخن خویش جای دهد و تذکر دهد که شعر از کیست؛ اگر پیش ناقدان شعر سخنوران (اهل زبان) مشهور نباشد؛ و با این کار، بر زیبایی شعر او افزوده می‌شود. (تفتازانی، ۱۴۲۴ ق: ص ۲۲۵ و ۴۷۲؛ مراغی، ۱۴۲۲ ق: ص ۳۷۴؛ سبکی، ۱۴۲۳ ق، ج ۲: ص ۳۳۵) مثل بیت زیر از حریری که راجع به برده‌ای می‌باشد که برای فروش عرضه شده است (مراغی، ۱۴۲۲ ق: ص ۳۷۴):

علی انی سأنشد عند بیعی
أضاعونی و آی فتی أضاعوا

که مصراع دوم متعلق به «عرجی» بوده و اصل بیت به این صورت است:

^۲ و أما التضمین: فهو أن یضمّن الشّعر شیئا من شعر الغیر، مع التنبیه علیه إن لم یکن مشهورا عند البلغاء

أضاعوني و أی فتی أضاعوا
تعریف دیگر تضمین، تعلق معنای آخر بیت به اول بیتی که پشت سر آن است، بوده^۴ و شعر زیر، شاهد مثال خوبی در این زمینه است (سکاکي، بی تا: ص ۶۹۷):

و سائل تمیما بنا و الرباب...
و سائل هوازن عنا إذا ما
لقیناهم کیف نعلو لهم...
ببببب تفلق بیضا و هاما

و یا مانند شعر زیر (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳: ص ۲۵۸):

یا ذا الذی فی الحب یلحی، اما
علقت من حب رخیم، لما
والله لو علقت منه کما
لمت علی الحب، فدعنی و ما

علی الظاهر بهترین حالت تضمین این چنین است که متکلم به همراه تضمین از یکی از آرایه های ادبی همچون توریه و تشبیه استفاده نموده که در اصل شعر، این آرایه ها، وجود نداشته اند و با این کار بر زیبایی تضمین افزوده است (مراغی، ۱۴۲۲ ق: ص ۳۷۴):

إذا الوهم أبدی لی لهماها و ثغرها
و یذکرنی من قدماها و مدامعی
تذکرت ما بین العذیب و بارق
مجرجر عوالینا و مجری السوابق

که مصراع های دوم هر دو بیت، متعلق به قصیده زیر از «أبی الطیب» هستند:

تذکرت ما بین العذیب و بارق
مجرجر عوالینا و مجری السوابق

اصطلاح تضمین در علم نحو

تضمین در اصطلاح نحویون بر سه نوع است: تضمین فعل، اسم و حرف؛ و عبارت است از قرار دادن و ادخال و اشراب معنای لفظی در لفظ دیگر^۵ که در نتیجه، آن لفظ دیگر، دارای احکام لفظ متضمن خواهد شد.

گفتنی است که قاعده تضمین، غالبا بر روی فعل رخ می دهد؛ پس در ابتدا جهت روشن شدن زمینه بحث و طرح آن به نحو کامل، صورت هایی را که امکان دارد تضمین فعل در آن ها رخ دهد، مطرح گردیده است:

۱. فعل لازمی که به حسب طبع اولی با حروف جر خاصی متعدی می شود، مثلا با بای حرف جر متعدی می شود. اگر در موردی همان فعل با حرف جر دیگری مثلا «علی» استعمال شد، در اینجا چه باید گفت؟ آیا باید بگوییم حرف جر دوم به معنای حرف جر اول است، یعنی «علی» به معنای «باء» به کار رفته است یا اینکه از قانون تضمین استفاده کنیم و بگوییم این فعل به معنای فعل دیگری است که با «علی» متعدی می شود.

۲. فعلی خودش متعدی است و نیز به وسیله حرف جر خاصی، به مفعول دوم متعدی می شود. لکن اگر در عبارتی به وسیله حرف جر دیگری به مفعول دوم متعدی شد، در اینجا باز بحث پیش می آید که آیا حرف جر دوم به معنای حرف جر اول است یا اینکه فعل را باید به معنای فعل دیگری بگیریم که توسط حرف جر دوم متعدی شده است.

۳. فعلی که متعدی و دارای معنای مخصوص است، در عبارتی به همان معنای مخصوص آمده است، لکن همراه آن، حرف جری استعمال شده است. آیا در اینجا باید حرف جر را زائد گرفت و یا فعل را به معنای فعل دیگری درآورد که با آن حرف جر متعدی می شود و از تضمین استفاده کرد. (طائفی فیجانی، ۱۳۷۶ ش: ص ۷۷)

^۳ الکرهیه: الحرب، و السداد: سد الثغر بالخیل و الرجال، و الثغر: الموضع الذی یخشی منه العدو، و الاستفهام أی أضاعونی و أنا أكمل الفتیان فی وقت الحاجة لسداد الثغر.

^۴ أما التضمین المعدود فی العیوب، و هو تعلق معنی آخر البیت بأول البیت الذی یلیه

^۵ القاعدة الثالثة قد یشریون لفظا معنی لفظ فیعطونه حکمه

طبق نظر ابن هشام، اگر فعل لازمی متضمن معنای فعل متعدی گردد، احکام فعل متعدی را در معنا و لفظ دارا میگردد. (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ص ۶۸۵) [و یا فعل متعدی به حرف جری اگر متضمن معنای فعلی با حرف جر دیگری باشد، احکام همان فعل دوم را در معنا و لفظ خواهد گرفت].

به عنوان مثال در عبارت «سمع الله لمن حمده»، فعل «سمع» متضمن معنای «استجاب» بوده و احکام لفظی آن را داراست. پس فعل «سمع» به معنای «استجاب» بوده و متعدی به حرف جر «ل» است.

همچنین در آیه ۲۵ سوره مبارکه توبه «وَصَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ؛ وَ زَمِينَ بِمَا فَارَخَىٰ بِرِشْمَا تَنگَ گَرَدِیدَ» فعل «رَحَبَتْ» به صورت متعدی به کار رفته است درحالیکه طبق استعمال لغوی، فعلی لازم بوده و در اینجا متضمن معنای «وسع» گشته است. (حسن، ۱۴۲۵ ق، ج ۲: ص ۵۶۵)

دسوقی (شارح مغنی اللیب) لازمه این تعریف را مغایرت دو معنا از هم دانسته که می توانند مترادف یا متناسب باشند (حسن، ۱۴۲۵ ق، ج ۲: ص ۵۶۴) ولی عکبری تضمین را اشراب معنای یک فعل در فعل دیگر تعریف می کند به صورتی که لفظ اول بدون ذکر لفظ دوم، معنایی بیش از معنای خود را اتخاذ کند. (عکبری، ۱۴۱۹ ق: ص ۲۶۶)

ابن جنی در الخصائص خود، تعریف جدیدی از تضمین را ارائه می دهد به این صورت که اگر فعلی به معنای فعل دیگری باشد و فعل اول متعدی به حرف جری و فعل دوم، متعدی به حرف جر دیگری باشد، چون فعل اول در معنای فعل دوم است، پس به همراه همان حرف جر متناسب با فعل دوم به کار می رود. (ابن جنی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲: ص ۹۱)

تعریف پنجم تضمین طبق نظر زمخشری در الکشاف، آن را استعمال فعلی در معنای فعل دیگر و جاری مجرای همان فعل دوم می داند و غرض از آن را اعطاء دو معنا به یک فعل بیان میکند و آن را بهتر از اعطاء یک معنی به فعل می داند. (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ص ۷۱۶)

تفتازانی در حاشیه ای بر کتاب «الکشاف زمخشری» این چنین بیان داشته است: «اگر گفته شود که فعل در معنای حقیقی اش استعمال شده است پس هیچ دلالتی بر فعل دیگر نمی کند و اگر در معنای فعل دیگری استعمال شده باشد پس هیچ دلالتی بر معنای حقیقی اش ندارد و اگر هم در معنای حقیقی اش استعمال شود و هم در معنای فعلی دیگر، در اینصورت لزوم جمع بین حقیقت و مجاز پیش خواهد آمد.»

در جواب بایستی گفته شود که فعل در معنای حقیقی اش به کار رفته است در حالیکه به کمک قرینه لفظیه، حالت گرفته شده از فعل دیگر، لحاظ نمی شود که اگر چنین نباشد، مجاز محض خواهد بود نه تضمین. پس در مثال «یومنون بالغیب» کلمه «یومنون» در عین حال که در معنای حقیقی خود به کار رفته است، متضمن معنای «معترفین» بدون لحاظ حالت آن است. (تفتازانی، ۱۴۲۴ ق: ص ۴۷۳)

با توجه به معنای لغوی تضمین و مفهوم آن در اصطلاحات مختلف، و با در نظر گرفتن این نکته که می خواهیم تضمین را در تفسیر شریف المیزان نوشته علامه طباطبایی بررسی کنیم، فلذا تضمین نحوی، مبنای کار پژوهش حاضر بوده و نکات و مطالبی که در ادامه می آید، در باب «تضمین نحوی» و از جنس «تضمین فعل» خواهد بود.

تضمین در قرآن کریم

فاضل با بررسی افعال قرآنی که در آنها تضمین به کار رفته است، آن را به لحاظ لازم یا متعدی بودن فعل محذوف و مذکور، به هشت صورت زیر تقسیم کرده است (الفاضل، ۱۴۲۶ ق، ج ۱: صص ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۶ و ۱۹۶؛ زوبعی، ۱۹۹۶ م: ص ۶۸):

۱. تضمین فعل متعدی در فعل لازم و برعکس

• «وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ؛ و کیست که از آئین ابراهیم روی گردان شود جز کسی که خویش را به نادانی و سبک مغزی زند؟ یقیناً ما ابراهیم را در دنیا برگزیدیم و قطعاً در آخرت از شایستگان است» (بقره: ۱۳۰): تضمین معنای متعدی «خاف او امتهن او اهلک» در فعل لازم «سفه»

• «رحبتکم الدار»: تضمین معنای متعدی «وسع» در فعل لازم «رحب»

• «طلع القمر الیمن»: تضمین معنای متعدی «بلغ» در فعل لازم «طلع»

• «سمع الله لمن حمده»: تضمین معنای متعدی «استجاب» در فعل لازم «سمع»

۲. تضمین فعل متعدی به حرف جر در فعل متعدی بی واسطه

• «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و نوح گفت در آن سوار شوید که حرکت کردنش و لنگر انداختنش فقط به نام خداست، یقیناً پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است» (هود: ۴۱): تضمین معنای «دخل» در فعل «ركب»

• «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ؛ و هنگامی که خبری از ایمنی و ترس به آنان رسد، آن را منتشر می کنند» (نساء: ۸۳): تضمین معنای «تحدثوا» در فعل «اذاعوا»

۳. تضمین فعل متعدی بی واسطه در فعل متعدی به حرف جر

• «و ان عزموا الطلاق فان الله سميع عليم؛ و اگر تصمیم به طلاق گرفتند، مسلماً خدا شنوا و داناست» (بقره: ۲۲۷): تضمین معنای «نوی» در فعل «عزم»

۴. تضمین فعل متعدی به حرف جر در فعل متعدی به حرف جر دیگر

• «خلا بعضهم الی بعض؛ با هم خلوت می کنند» (بقره: ۷۶): تضمین معنای «انضوی» در فعل «خلا»

۵. تضمین فعل یکبار در متعدی و بار دیگر در لازم (برحسب تاویل ما از فعل و توجیه معنایی آن)

• «و لتستبين سبيل المجرمين؛ تا راه و رسم گناهکاران آشکار گردد» (انعام: ۵۵): تضمین معنای «ظهر و وضع» در فعل «استبان»

• «اهبطوا مصرا؛ به شهر فرود آئید» (بقره: ۶۱): تضمین معنای «هبط» متعدی بنفسه در فعل «هبط» متعدی به حرف جر

• «ان الله لا يستحيء ان يضرب مثلا ما؛ بی تردید خدا از اینکه به پشه و فراتر از آن مثل بزند، شرم نمی کند» (بقره: ۲۶): تضمین معنای «يستحيء» متعدی بنفسه («ان يضرب» مفعول به) در فعل «يستحيء» متعدی به حرف جر «ان يضرب» منصوب به نزع خافض

• «يختص برحمته من يشاء؛ خدا هرکه را بخواهد به رحمت خود اختصاص می دهد» (بقره: ۱۰۵): تضمین معنای «يفرد» در فعل «يختص»

۶. تضمین فعل متعدی به دو مفعول در فعل متعدی به یک مفعول

• «فاماته الله مائه عام ثم بعته؛ پس خدا او را صد سال میراند سپس وی را برانگیخت» (بقره: ۲۵۹): تضمین معنای «البنه الله مئه عام مماتا» در «اماته الله مائه عام»

• «من ذالذی يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له اضعافا كثيرة؛ کیست آنکه به خدا وام نیکو دهد تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟» (بقره: ۲۴۵): تضمین معنای «فيضيره اضعافا» در «فيضاعفه له اضعافا»

۷. تضمین فعل متعدی به یک مفعول در فعل متعدی به دو مفعول

۸. تضمین فعل ظنی در معنای فعل یقینی در امور قابل تحقق

- «الذین یظنون انهم ملاقوا ربهم؛ کسانی هستند که یقین دارند دیدار کننده پروردگارشان می باشند» (بقره: ۴۶): تضمین فعل یظنون به معنای «ظن» در معنای «یقین»

فایده تضمین

به نظر ابن قییم، مهم ترین فایده تضمین «توسعه در معنا» است که نویسنده، انتقال مفهوم را بدون استفاده از واژه‌ها انجام دهد (ابن قییم، بی تا، ج ۲: ص ۵۰۶) ولی ابن هشام انصاری فایده آن را در «افاده دو معنا» به جای یک معنا می داند (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ص ۸۹۷) که زمخشری در الکشاف هم با اندک تفاوتی، همین فایده را تایید کرده و بیان می کند که افاده دو معنا، قوی تر از افاده یک معنا است. (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ص ۷۱۷)

به نظر نگارنده این تحقیق، فایده دوم مهمتر از اولی است و این فایده در آیه «وَأذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مَرِیمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَکَانًا شَرْقِیًّا؛ و در این کتاب مریم را یاد کن هنگامی که از خانواده اش مکان شرقی کناره گرفت» (مریم: ۱۶) به خوبی نمایان است. چون فعل «انتبذ» به معنای کناره گیری و دور شدن از کسی یا چیزی یا جایی است (زبیدی، ۱۳۰۶، ج ۲: ص ۵۸۰) ولی در اینجا «مکانا» را به عنوان مفعول نصب داده است چون متضمن معنای فعل «اتی» می باشد (آلوسی بغدادی، بی تا، ج ۸: ص ۳۹۴) تا بیانگر کناره گیری حضرت مریم (س) از قوم خویش به سوی مکان خاصی باشد. (باقر، ۱۳۸۶ ش: ص ۲۵)

نحوه تقدیر کلام در تضمین

در تضمین یا فعل محذوف را اصل و فعل مذکور را حال قرار می دهند مثل فعل «رضوا» که در آیه ۵۹ سوره توبه «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؛ و اگر آنان به آنچه خدا و پیامبرش به ایشان عطا کرده اند خشنود می شدند» متضمن معنای «اخذ» شده و متعدی به حرف جر «باء» است و معنای آیه به این صورت می باشد: «اخذوا ذلک راضین به» (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۲: ص ۳۱۰) و یا با اصل قرار دادن فعل مذکور، فعل محذوف را حال می گیرند (الفاضل، ۱۴۲۶ ق، ج ۱: ص ۱۰۷) مثل آیه ۱۸۵ سوره بقره «لِتُکَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاکُمْ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ؛ خدا را بر اینکه شما را هدایت فرموده بزرگ شمارید و نیز برای اینکه سپاس گزاری کنید» که «کبر» متضمن معنای «حمد» شده و با حرف جر «علی» آمده است و معنای آیه بدین شکل است: «و لتکبروا الله حامدین علی ما هداکم» (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ص ۲۲۸)

قیاسی یا سماعی بودن تضمین

درباره فراوانی کاربرد تضمین، ابن جنی (ابن جنی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲: ص ۳۱۰) و ابوالفتح (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ص ۶۸۶) تصریح کرده اند که چنانچه موارد تضمین گرد آید، مقدار آن زیاد خواهد بود، از اینرو برخی تضمین را قیاسی دانسته و آن را برای تسهیل و گسترش زبان مفید شمرده اند. (ازهری، بی تا، ج ۱: ص ۳۴۶) ولی به عقیده ابن هشام و ابوحنیفان (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ص ۱۳۶-۱۳۷)، تضمین قیاسی نیست و سماعی بودن آن تا حدی است که جز به ضرورت نباید آن را به کار برد. (عکبری، ۱۴۱۹ ق، ج ۲: ص ۲۵)

نهایتاً به نظر می رسد که تضمین قیاسی است و برای به کار بردن آن، ۳ شرط وجود دارد:

۱. تناسب بین دو فعل مذکور و محذوف
۲. قرینه ای که دال بر معنای دوم باشد

۳. تناسب تضمین با ذوق سلیم عرب (حسن، ۱۴۲۵ ق، ج ۲: ص ۵۸۰)

تفاوت تضمین با اصطلاحات مشابه

- تفاوت تضمین و تقدیر

در تضمین، کلمه در معنای فعل متضمن است به صورتی که اظهار فعل متضمن جایز نیست ولی در تقدیر می توان آن را ظاهر کرد. مثلاً کلمه «این» چون متضمن معنای استفهام است، مبنی است ولی در مثال «خرجت یوم الجمعة» کلمه «الجمعه» منصوب به تقدیر «فی» است. (ابن الحاجب، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ص ۸۲۶)

- تفاوت تضمین و عدل

فرق بین عدل و تضمین این است که در عدل، کلمه از لفظ خودش به لفظ دیگری عدول پیدا می کند، مثل عدول کلمه «عمر» به «عمر» و همچنین عدول کلمه «سحر» از «السحر» ولی در تضمین، کلمه، متحمل معنای دیگری غیر از لفظ خودش می شود که مستحق آن است و تغییر لفظی رخ نمی دهد.

استعمالات قرآنی تضمین در برخی از آیات سوره مبارکه بقره

طبق تتبعی که در آیات سوره مبارکه بقره صورت گرفت و تلاش و ممارستی که برای یافتن این ۸ قسم تضمین با توجه به تفسیر شریف المیزان انجام شد، سعی شده است به صورت موردی آیاتی از سوره بقره آورده شده و با بررسی ترجمه ای که تفسیر المیزان از آن آیه داده اند با سایر تفاسیر، نوع تضمین به کار رفته در آن به همراه تحلیل و ترجمه دقیق آیه مشخص شود.

- سوره بقره آیه ۱۴

«وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ؛ و چون مؤمنان را می بینند می گویند: ما ایمان آورده ایم و چون با شیطانهای خود خلوت کرده (و کفر باطنی شان بروز می کند) می گویند ما با شما ایم، ما ایشان را مسخره می کنیم.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱: ص ۲۱۳)

به اعتقاد شوکانی چون فعل «خلا» متعدی به حرف جر «الی» شده در حالیکه در اصل با حرف جر «باء» متعدی می شود، متضمن معنای «انصرفوا»، «ذهبوا» یا «اصغوا» است. (شوکانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ص ۵۲) و طبق نظر باقر، آیه نشان دهنده آشکار کردن اندیشه های درونی منافقان است پس از اینکه از مجلس مومنان بیرون رفته و امکان خلوت کردن با یاران خود را می یابند (باقر، ۱۳۸۶ ش: ص ۳۴) همچنین به نظر بیضاوی فعل لازم «خلا» متعدی به حرف جر «الی» شده و متضمن معنای «انهاء» است. (بیضاوی، بی تا، ج ۱: ص ۴۷)

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: تضمین به کار رفته در آیه از نوع تضمین فعل متعدی به حرف جر در فعل متعدی به حرف جر دیگر (نوع چهارم) است که در آن، فعل «خلا» متضمن معنای «انصوی» شده است. پس در ترجمه ای که علامه طباطبایی از آیه شریفه کرده اند، معنای تضمینی رعایت نشده و ترجمه دقیق آیه بدین صورت است: «و چون مومنان را می بینند، می گویند: ما ایمان آورده ایم و چون در حال خلوت به شیطان های خود می پیوندند، می گویند: ما با شما ایم، ما فقط ایشان را مسخره می کنیم.»

- سوره بقره آیه ۴۶

«الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ کسانی که یقین دارند به پیشگاه پروردگار خویش می روند و به او باز می گردند.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱: ص ۱۵۲)

طبری، مکارم و طبرسی معتقدند که فعل «ظن» در اینجا به صورت تضمین در معنای «یقین و ایمان» استفاده شده و ترجمه آیه چنین است: «آنها که ایمان دارند خدای خود را ملاقات می‌کنند و به سوی او باز می‌گردند.»

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: در این آیه شریفه از تضمین فعل ظنی در معنای فعل یقینی در امور قابل تحقق (نوع هشتم) استفاده شده است که چون ملاقات پروردگار یک امر قابل تحقق است، فعل «ظن» که معنای اصلی آن «گمان» بوده، متضمن معنای «یقین» شده است. بنابراین ترجمه علامه طباطبایی دقیق و با مراعات قاعده تضمین می‌باشد.

- سوره بقره آیه ۴۸

«وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ؛ و از آن روز که کسی بکار کسی نیاید و از او شفاعتی نپذیرند و از او عوضی نگیرند و کسان یاری نشوند، بترسید.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱: ص ۱۵۴)

تضمین در این آیه مربوط است به عبارت «لایجزی» که هم به معنای «جزا و کیفر و پاداش» است و هم به معنای «کفایت و تکفل» که در اینجا مراد معنای دوم است. (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ص ۶۷) بنابراین ترجمه آن چنین می‌شود: «و بترسید از روزی که هیچ کس دیگری را کفایت نمی‌کند و کیفر اعمالش را تحمل نمی‌کند.»

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: در اینجا فعل «تجزی» متعدی به حرف جر «عن» متضمن معنای «کفی» متعدی به دو مفعول بنفسه و با واسطه حرف جر «عن» شده است و چون «کفی» یکی از معانی «تجزی» بوده پس تضمین فعل یکبار در متعدی و بار دیگر در لازم (نوع پنجم) رخ داده است. طبق توضیحات مذکور، در ترجمه علامه طباطبایی مراعات تضمین نشده است و ترجمه دقیق آیه به این صورت است: «و بترسید از آن روز که هیچکس تحمل کیفر اعمال دیگری را نمی‌کند.»

- سوره بقره آیه ۱۰۵

«وَ اللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ؛ خداوند رحمت خود را به هرکس بخواهد اختصاص می‌دهد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱: ص ۳۰۴)

تضمین در این آیه به عبارت «یختص برحمته» مربوط است. ممکن است فعل «یختص» لازم باشد و متضمن معنای «ینفرد» باشد یا اینکه متعدی باشد و متضمن معنای «یفرد: برگزیدن و انتخاب کردن» باشد. (ابوحیان اندلسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ص ۳۶۰)

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: تضمین به کار رفته در آیه شریفه از نوع تضمین فعل یکبار در متعدی و بار دیگر در لازم (نوع پنجم) بوده و در واقع تضمین فعل «یختص» یکبار در معنای «ینفرد» لازم و بار دیگر در معنای «یفرد» متعدی است که با در نظر گرفتن معنای دوم، همان معنایی به دست می‌آید که علامه طباطبایی با مراعات قاعده تضمین از آیه ارائه داده‌اند.

- سوره بقره آیه ۱۳۰

«وَ مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِذَا مِنْ سَفَهٍ نَفْسَهُ وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ؛ کسی از کیش ابراهیم روگردان است که خود را دچار حماقت کرده و فهم خدادادی (تمییز منافع از مضرات) را از دست داده باشد، با اینکه ما او را در دنیا برگزیدیم و او در آخرت از صالحان است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱: ص ۳۰۰)

در این آیه فعل «سفه» متعدی به کار رفته است و «نفس» مفعول آن است، حال آنکه لازم است و علتش این است که متضمن معنای «اهلک» بوده و معنای آیه اینگونه است: «الراغب عن مله ابراهیم یهلک نفسه عن سفاهته» (حسینی تهرانی، ۱۳۶۴، ج ۲: ص ۲۶۳)

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: در این آیه شریفه فعل لازم «سفه» متضمن معنای «احمق» شده که متعدی بنفسه است و ترجمه دقیق آیه با در نظر گرفتن قاعده تضمین، همان ترجمه علامه طباطبایی از آیه شریفه می‌باشد. پس تضمین در این آیه از قسم تضمین فعل متعدی در فعل لازم و برعکس (نوع اول) است.

- سوره بقره آیه ۱۷۸

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى؛ أَي كَسَانِي كَه اِيْمَان اُورده ايد قِصَاص (جناياتي كه واقع ميشود) بر شما واجب است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ج ۲: ص ۶)

تضمین در این آیه به عبارت «کتب» مربوط است که تضمین آن به معنای فرض و واجب بودن است. (هارون، بی‌تا: ص ۵۷) که چنین معنا می‌شود: «حکم قصاص درباره کشته شدگان بر شما فرض و واجب گردید.»

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: در آیه شریفه فعل «کتب» که متعدی به مفعول بی واسطه است، متضمن معنای «فرض» شده که متعدی به دو مفعول بی واسطه و با واسطه حرف جر «علی» شده است. پس تضمین فعل متعدی به دو مفعول در فعل متعدی به یک مفعول (نوع ششم) در اینجا استفاده شده که علامه طباطبایی با رعایت مفهوم تضمین، آن را به درستی ترجمه کرده است.

- سوره بقره آیه ۱۸۵

«وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْكُمُ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و (منظور اینست که) خدا را در برابر اینکه هدایتتان کرد تکبیر گفته و شاید شکرگزاری کرده باشید» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ج ۲: ص ۲۸)

به نظر زمخشری در این آیه تضمین معنای «حمد» در فعل «تکبیر» رخ داده که فعل مذکور را متعدی به حرف جر «علی» کرده است و معنای آیه را به این صورت در آورده است: «و لتکبروا الله حامدین علی ما هداکم» (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۱: ص ۲۲۸) که این تضمین بیانگر ستایش خداوند به خاطر هدایت بندگانش است.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: تضمین در این آیه شریفه از نوع تضمین فعل متعدی به دو مفعول در فعل متعدی به یک مفعول (نوع ششم) است که در آن، فعل متعدی بی واسطه «کبر» متضمن معنای فعل متعدی به دو مفعول بی واسطه و با واسطه «حمد» شده است و معنای دقیق آیه، متفاوت از آنچه علامه طباطبایی ترجمه کرده اند، به این صورت خواهد بود: «و خدا را به خاطر اینکه هدایتتان کرد، تکبیر بگویید درحالیکه او را ستایش میکنید و شاید شکرگزاری کرده باشید»

- سوره بقره آیه ۱۸۷

«أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ؛ در شب روزه‌داری، نزدیکی کردنتان با همسرانتان حلال شد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ج ۲: ص ۴۴)

طبق نظر طبرسی، بیضاوی، آلوسی بغدادی و جوادی آملی، فعل «رفث» به معنای چیزی است که ذکر آن قبیح می‌باشد و با اینکه متعدی به حرف جر «باء» است ولی در این آیه با حرف جر «الی» آمده و متضمن معنای «افضی» شده است تا مفهوم انضمام و تماس را داشته باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ص ۱۰۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۹: ص ۴۴۸؛ بیضاوی، بی‌تا، ج ۱: ص ۱۲۶؛ آلوسی بغدادی، بی‌تا، ج ۱: ص ۴۶۱)

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: در این آیه شریفه، تضمین فعل متعدی به حرف جر در فعل متعدی به حرف جر دیگر (نوع چهارم) به کار رفته است که در آن فعل «رفث» متعدی به حرف جر «باء» متضمن معنای «افضی» متعدی به حرف جر «الی» شده است. در اینصورت معنای آیه شریفه به صورتی که علامه طباطبایی ترجمه کرده اند، دقیق و دربردارنده مفهوم تضمین است.

- سوره بقره آیه ۲۲۰

«وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ؛ خدا مفسد شما را از مصلحتان می‌شناسد» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲: ص ۱۹۸)

خداوند متعال در این آیه وضعیت یتیمان را توجه می‌دهد تا مسلمانان با اصلاح کارهای ایتام، آنها را به حال خود رها نکرده و سرپرستی ایشان را برعهده بگیرند و اگر در اینجا مال و زندگی آنها با مال و زندگی یتیمان مخلوط شد، اگر رفتارشان به مانند یک برادر بوده، اشکالی ندارد، چرا که خداوند عالم به همه نیات بوده و کسانی را که قصد سوءاستفاده از اموال یتیمان دارند، از دلسوزان پاکدل واقعی می‌شناسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ص ۱۲۶؛ آلوسی بغدادی، بی‌تا، ج ۱: ص ۳۴۴)

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: در این آیه شریفه تضمین فعل متعدی به دو مفعول در فعل متعدی به یک مفعول (نوع ششم) به کار رفته است چرا که فعل «علم» به معنای «عرف» متعدی به یک مفعول است، اما در این آیه شریفه متضمن معنای «تمییز» گردیده و متعدی به دو مفعول بنفسه و با واسطه حرف جر شده است. پس ترجمه ای که علامه طباطبایی ارائه کرده اند، ترجمه ای کاملاً دقیق و با لحاظ مفهوم تضمین می‌باشد.

- سوره بقره آیه ۲۲۶

«الَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نُسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ؛ آنان که سوگند می‌خورند که تا ابد از زنان خود دوری کنند، تنها چهار ماه مهلت دارند» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲: ص ۲۲۶)

طبق نظر ابوحنیفه، زمخشری، آلوسی بغدادی، ابن عاشور و جوادی آملی، در این آیه شریفه منظور از سوگند این افراد این است که از مباشرت با زنان خودداری کنند و فعل «یؤلون» با حرف جر «من» متعدی گردیده و متضمن و دربردارنده معنای «ابتعاد» است. (ابوحنیفه اندلسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ص ۲۵۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ص ۲۶۸؛ آلوسی بغدادی، بی‌تا، ج ۱: ص ۵۲۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲: ص ۳۶۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ص ۲۳۱)

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: در این آیه شریفه تضمین فعل متعدی به حرف جر در فعل متعدی بی واسطه (نوع دوم) به کار رفته است و ترجمه ای که علامه طباطبایی از آیه کرده اند، ترجمه ای دقیق و با رعایت مفهوم تضمین صورت گرفته است که در آن فعل متعدی بی واسطه «ایلاء» متضمن معنای «ابتعاد» متعدی به حرف جر «من» است.

- سوره بقره آیه ۲۳۵

«أَلَا تُوَاعِدُهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ؛ با آنها قرار آمیزش سری نبندید، مگر آنکه سخنی شایسته گوئید، و نیز نیت (=قصد) بستن عقد زناشویی نکنید تا از عده در آیند» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲: ص ۲۴۴)

طبق نظر فاضل و ابوحنیفه، «عزم» متعدی به نفسه گردیده و معنای «نوی» یا «اوجب» را تضمین نموده است، با آنکه در اصل متعدی به حرف جر «علی» است. (ابوحنیفه اندلسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ص ۵۲۵؛ الفاضل، ۱۴۲۶ ق، ج ۱: ص ۱۸۳) و طبرسی معتقد است که این تضمین، مردانی را نشان می‌دهد که می‌خواهند در زمان «عده» با زنان ازدواج کنند و نبایستی قصد این کار را داشته باشند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ص ۱۳۰)

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: تضمین به کار رفته در آیه شریفه از قسم تضمین فعل متعدی بی واسطه در فعل متعدی به حرف جر (نوع سوم) است و در آن فعل «عزم» متعدی به حرف جر «علی» متضمن معنای «نوی» متعدی بنفسه شده است؛ پس ترجمه ای که علامه طباطبایی از آیه کرده اند، ترجمه ای مناسب و با رعایت مفهوم تضمین است.

- سوره بقره آیه ۲۴۳

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أَلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ؛ مگر داستان آنان که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ، از دیار خویش خارج شدند را ندانستی! که خدا به ایشان گفت بمیرید، آن گاه زنده‌شان کرد» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲: ص ۲۷۹)

به نظر علامه طباطبایی «رای» در صورت تعدی به یک مفعول، به معنای دیدن با چشم بوده و در صورت تعدی به دو مفعول، به معنای دیدن قلبی است (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۲: ص ۲۷۹) و شوکانی، الدرریش، صافی و آلوسی بغدادی معتقدند که «رای» متضمن معنای «انتهی» یا «وصل» شده و با حرف جر «الی» متعدی گشته است و معنای آیه به این شکل است: «الم یتنه علمک الیهم یا الم یصل علمک الیهم» (شوکانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ص ۲۹۹؛ الدرریش، ۱۴۲۰ ق، ج ۱: ص ۳۶۱؛ صافی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲: ص ۵۱۴؛ آلوسی بغدادی، بی تا، ج ۱: ص ۵۵۲)

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: تضمین به کار رفته در آیه شریفه از قسم تضمین فعل متعدی به حرف جر در فعل متعدی بی واسطه (نوع دوم) می باشد که فعل متعدی بی واسطه «رای» در آن متضمن معنای «وصل» متعدی با واسطه حرف جر «الی» شده است که ترجمه آیه اینچنین می شود: «مگر علم تو به آنان که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ، از دیار خویش بیرون شدند، نرسید! که خدا به ایشان گفت بمیرید، آن گاه زنده‌شان کرد»؛ پس علامه طباطبایی در ترجمه خویش مراعات مفهوم تضمین را نکرده است.

- سوره بقره آیه ۲۶۰

«قَالَ فَخَذُّ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرَهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا؛ فرمود: پس چهار مرغ بگیر و آن ها را طوری قطعه قطعه کن که به سوی تو میل کنند و هر قسمتی از آن را بر سر کوهی بگذار آنگاه یک یک آنها را صدا بزن، خواهی دید که با شتاب نزد تو می آیند» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲: ص ۳۷۴)

این تضمین بیان می کند حضرت ابراهیم (ع)، آن چهار حیوان را به خود عادت داد تا زمان فراخواندن آنها به سوی خود پس از زنده شدن، با وی انس داشته باشند و به او گرایش پیدا کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲: ص ۲۸۳)

تحلیل و ترجمه پیشنهادی: در این آیه شریفه از تضمین فعل متعدی به دو مفعول در فعل متعدی به یک مفعول (نوع ششم) استفاده شده است چرا که فعل «صرهن» (به معنی «قطع») متعدی به یک مفعول بی واسطه متضمن معنای «اماله» متعدی به دو مفعول بی واسطه و با واسطه حرف جر «الی» است. بنابراین ترجمه علامه طباطبایی از آیه، کاملاً دقیق و با مراعات اسلوب تضمین می باشد.

نتیجه گیری

تضمین هم در باب «نحو» و هم در باب «بلاغت» استفاده می شود با این تفاوت که معنایی که از تضمین در علم نحو می شود، کاربردی و قابل استفاده در آیات قرآن کریم می باشد و در صورت عدم مراعات این اسلوب، امکان اشتباه در انتقال محتوا وجود داشته که میتواند خواننده را از معانی و مفاهیم دقیق و عالی قرآن کریم، محروم سازد.

تضمین در اسم، فعل و حرف صورت می گیرد ولی باتوجه به اهمیت تضمین در فعل و تأثیری که در ترجمه، تفسیر و برداشت از آیات دارد، غالب مفسران و علی الخصوص علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان از تضمین فعل در باب نحو استفاده کرده اند.

مهم ترین فایده تضمین این است که یک فعل به جای یک معنا، مفید دو معنا باشد و استعمال آن از نوع حقیقی است نه مجازی؛ زیرا در قاعده تضمین، فعلی حذف شده و هدف گوینده، هردو معنای فعل مذکور و محذوف است.

در اسلوب تضمین که نوعی استعمال حقیقی است، یک فعل به جای یک معنا، مفید دو معنا می باشد و فعل مذکور، به لحاظ لازم یا متعدی بودن، حکم فعل دوم را می گیرد. (گفتنی است استعمال لفظ در بیش از یک معنا جایز است) در تضمین یا فعل محذوف را اصل و فعل مذکور را حال قرار می دهند و یا با اصل قرار دادن فعل مذکور، فعل محذوف را حال می گیرند.

برای به کار بردن تضمین، ۳ شرط وجود دارد:

(۱) تناسب بین دو فعل مذکور و محذوف

(۲) قرینه ای که دال بر معنای دوم باشد

(۳) تناسب تضمین با ذوق سلیم عرب

تضمین در قرآن کریم بر هشت قسم زیر است:

(۴) تضمین فعل متعدی در فعل لازم و برعکس

(۵) تضمین فعل متعدی بی واسطه در فعل متعدی به حرف جر

(۶) تضمین فعل متعدی به حرف جر در فعل متعدی بی واسطه

(۷) تضمین فعل متعدی به حرف جر در فعل متعدی به حرف جر دیگر

(۸) تضمین فعل یکبار در متعدی و بار دیگر در لازم (برحسب تاویل ما از فعل و توجیه معنایی آن)

(۹) تضمین فعل متعدی به یک مفعول در فعل متعدی به دو مفعول

(۱۰) تضمین فعل متعدی به دو مفعول در فعل متعدی به یک مفعول

(۱۱) تضمین فعل ظنی در معنای فعل یقینی در امور قابل تحقق

با مطالعه موردی در سیزده آیه از سوره مبارکه بقره به دست آمد که تضمین فعل متعدی به دو مفعول در فعل متعدی به یک مفعول بیشترین کاربرد را داشته ولی برای تضمین فعل متعدی به یک مفعول در فعل متعدی به دو مفعول موردی یافت نشد. از سیزده آیه مورد بررسی در سوره مبارکه بقره، علامه طباطبایی در نه آیه، مراعات اسلوب تضمین را کرده اند ولی در بقیه موارد، با اشاره به قول کسانی که تضمین را در نظر گرفته اند، به خاطر دلایلی که ذکر می کنند، ترجمه ای بدون در نظر گرفتن مفهوم تضمین ارائه داده اند و این، یعنی ایشان تضمین را قبول داشته و سعی در استفاده هرچه بهتر از تضمین و ارائه معنای دقیق تر و کامل تر داشته اند.

منابع

- طه، عثمان (۱۳۷۵)، قرآن، قم: انتشارات اسوه.
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان (۱۴۲۹ ق)، الخصائص، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حاجب، عثمان بن عمر (۱۴۰۹ ق). أمالی (۲ جلد). بیروت: دارالجلیل.
- ابن شجری، هبه الله بن علی (۱۴۲۷ ق). أمالی، تحقیق دکتر محمود محمد طناحی. قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ ق). التحرير و التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قیم، محمد بن ابی بکر (بی تا). تفسیر القرآن الکریم. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف (بی تا). مغنی اللیب عن کتب الاعاریب. قم: مکتبه سیدالشهداء.

- ابوالبقاء، ایوب بن موسی (۱۹۷۶ م). الکلیات (معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویه). دمشق: عدنان درویش.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۱۲ ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.
- اخفش، سعید بن مسعده (۱۴۱۱ ق)، معانی القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ازهری، خالد بن عبدالله (بی تا)، شرح التصریح علی التوضیح، بیروت: چاپ افست تهران.
- آلوسی بغدادی، سید محمود (بی تا)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- باقر، علی رضا (۱۳۸۶)، «تضمین بیانی و اغراض بلاغی آن در قرآن»، مجله صحیفه مبین، شماره ۴۱.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (بی تا)، انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت: دارالفکر.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۱۴۲۴ ق)، المطول، قم: مکتبه الداوری.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۱۴۲۸ ق)، الشرح المختصر علی تلخیص المفتاح، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ ق)، الصحاح (تاج اللغه و صحاح العربیه)، چاپ سوم، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حاجی خانی، علی؛ پاشائی، توحید (۱۳۹۲)، «روش شناسی ترجمه تضمین نحوی در برخی ترجمه های معاصر قرآن کریم»، مجله علمی-پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۰.
- حسن، عباس (۱۴۲۵ ق)، النحو الوافی، چاپ هفتم، تهران: ناصر خسرو.
- حسینی تهرانی، سید هاشم (۱۳۶۴)، علوم العربیه، تهران: مفید.
- درویش، محی الدین (۱۴۲۰ ق)، اعراب القرآن الکریم و بیان، دمشق: دارالیمامه؛ بیروت: دار ابن کثیر.
- دسوقی، مصطفی محمد عرفه (۱۴۲۸ ق)، حاشیه الدسوقی علی مغنی اللیب عن کتب الاعراب، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- زاهدی فر، سیفعلی؛ موسوی شجری، آمنه (۱۳۹۵)، «کارکرد تضمین افعال در تفسیر آیات قرآن کریم (با تاکید بر نظر ابن عاشور)»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۲۶.
- زبرجد، سید محمد هادی؛ علوی، بتول (۱۳۹۳)، «تضمین نحوی و اقسام آن در قرآن کریم»، دو فصلنامه پژوهش های قرآنی در ادبیات، شماره ۱.
- زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۰۶)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار مکتبه الحیاه.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل، بیروت: دارالکتب العربی.
- زوبعی، طالب محمد اسماعیل (۱۹۹۶ م)، من اسالیب التعبير القرآنی، چاپ اول، بیروت: دارالنهضه العربیه.
- سبکی، علی بن عبدالکافی (۱۴۲۳ ق)، عروس الافراح فی شرح تلخیص المفتاح، بیروت: المکتبه العصریه.
- سکاکی، یوسف بن ابی بکر (بی تا)، مفتاح العلوم، بیروت: دارالکتب العلمیه (منشورات محمدعلی بیضون).
- سمین حلبی، احمد بن یوسف (۱۴۰۷ ق)، الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون، دمشق: دارالقلم.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق)، الاشباه و النظائر فی النحو، بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۹ ق)، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ اول، بیروت: موسسه الرساله.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ ق)، فتح القدر، چاپ اول، دمشق: دار ابن کثیر؛ بیروت: دارالکلم الطیب.
- صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ ق)، الجدول فی اعراب القرآن، چاپ چهارم، دمشق: دار الرشید.
- طائفی فیجانی، رضا (۱۳۷۶)، «تضمین از نگاهی دیگر»، نشریه بینات، شماره ۱۴.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، جوامع الجامع (چاپ اول)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ قم: مدیریت حوزه علمیه.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تهران: انتشارات مرتضوی.
- عکبری، ابوالقاء ایوب بن موسی (۱۴۱۹ ق)، الکلیات، چاپ دوم، بیروت: موسسه الرساله.
- فاضل، محمد ندیم (۱۴۲۶ ق)، التضمین النحوی فی القرآن الکریم، المدینه المنوره: دارالزمان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ق)، کتاب العین، تهران: انتشارات اسوه.
- مراغی، احمد مصطفی (۱۴۲۲ ق)، علوم البلاغه البیان و المعانی و البدیع، بیروت: دارالکتب العلمیه (منشورات محمد علی بیضون).
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- هادی لو، بهمن (۱۳۹۷)، «معناشناسی افعال از خلال تضمین نحوی و برابریهای آن در ترجمه های مکارم و مشکینی (مطالعه موردی در سوره مبارک بقره)»، دو فصلنامه مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، شماره ۲.
- هارون، عبدالسلام (بی تا)، اشاره الی الایجاز فی بعض انواع المجاز، دمشق: مطابع دارالفکر.